

# *Philosophy of Religion*

An Introduction

*William L. Rowe*

Second Edition

# فلسفه دین

ویلیام روی

مترجم : دکتر قربان علمی

Rowe , William

رو ، ویلیام ، ۱۹۳۱

فلسفه دین ، ویلیام روی ، ترجمه قربان علمی .  
تبریز: آیین ، ۱۳۸۰-۳۷۲ ص

ISBN 964-90522-4-0

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.

Philosophy of Religion : عنوان اصلی :  
An Introduction.

۱. دین - فلسفه، الف . علمی ، قربان ، ۱۳۳۵ - مترجم . ب  
عنوان.

۱۳۸۰ ۲۰۰/۱ BL۵۱/ر۹ف۸

محل نگهداری : کتابخانه ملی ایران

---

نام کتاب : فلسفه دین  
نویسنده : ویلیام روی  
مترجم : دکتر قربان علمی  
ویراستار : سید محسن سیدی  
نوبت چاپ : اول ۱۳۸۱  
قطع : رقعی  
تعداد صفحه : ۳۸۴  
لینوگرافی : شهریار  
چاپ : نیکام  
قیمت : ۲۰۰۰ تومان  
تیراژ : ۳۰۰۰

تقدیم به:

کسانی که اندیشه نقاد و خلاق دارند ،

و چگونه اندیشیدن را می آموزند  
نه اندیشه را.

## موالحکیم العلیم

### پیش گفتار مترجم

قرائن و شواهد فراوانی وجود دارند که نشان می‌دهند دین پدیداری تقریباً کلی در تاریخ عقیده بشر در جهان بوده و یکی از کهن‌ترین، کلی‌ترین، پایدارترین و مؤثرترین اجزاء تشکیل دهنده وجود انسان است و انسانها همواره به گونه اجتناب ناپذیری دینی بوده و هستند. قدمت عقاید و اعمال دینی به درازای پیشینه کهن فرهنگ انسان در گذشته‌های دور است که با مطالعه و بررسی آثار بجای مانده از انسانهای ابتدائی و ماقبل تاریخی به روشنی دینی بودن آنها بچشم می‌آید. با پیدائی تمدن ادیان فراوانی نیز پدید آمده و هر کدام به نحو بسیار پیچیده‌ای توسعه و تکامل یافته‌اند.

حضور گسترده دین در جهان امروز برای بشریت به همان اندازه فلسفه، هنر و علم، طبیعی است. ادیان نیز نظیر سبکهای خاص هنر، مکاتب فلسفی و نظریه‌های علم روزگاری ممکن است بیایند و بروند، اما دین فی نفسه تا زمانیکه انسان هست رشد می‌کند. حضور گسترده و عمیق آن در زندگی انسان نشان از دینی بودن یا رنگ دینی داشتن زندگی انسان در طول تاریخ دارد و گویای آن است که دین یدیده‌ای مصنوعی و بیگانه از زندگی انسان و تحمیل شده بر او نیست، بلکه دقیقاً با اموری مرتبط است که برای همه ما ماندگار است: معنی دار و بی معنی بودن، حسن و قبح، محبت و نفرت، جامعه و فرد، قداست، جنگ و صلح، زندگی و مرگ، توهم و واقعیت. ساختن جهان با معنی یکی از اساسی‌ترین نیازهای انسان است و دین مدعی است که وجود جهان و انسان معنی دار است.

در عرصه اجتماعی، دین یکی از اساسی‌ترین و مؤثرترین ابعاد تمدن بشری بوده و عنصری در خور بررسی دقیق از جهات گوناگون است. عقل حکم می‌کند که انسانها، بویژه افراد فرهیخته، فهم عمیقی از حقایق دینی داشته باشند. هر چند

دین شناسی به معنای لغوی کلمه از پیشینه‌ای برابر با خود دین برخوردار است، اما بررسی روشمند و علمی دین به معنای امروزین آن در دهه‌های اخیر پا گرفته که در جامعه ما کمتر به آن پرداخته شده است.

مطالعه و بررسی عمیق و واقعیت پیچیده دین، فرد را به حوزه‌های معرفتی گوناگون نظیر فلسفه، تاریخ، انسان شناسی، جامعه شناسی، روان شناسی و پدیدار شناسی راه می‌نمایاند. چشم اندازهایی که این حوزه‌ها از واقعیت پیچیده دین ترسیم می‌کنند از ضرورت حتمی تأمل فلسفی عمیق درباره دین خبر می‌دهد. علاقه دیرین بشر به مسائل دینی، متفکران را به تحقیق درباره معنای دعاوی ادیان گوناگون و دلایل و شواهدی که این دعاوی بر آنها مبتنی است، و معیارهایی که می‌توان در تعیین قدر و ارزش آنها به کار گرفت، واداشته است. از اینرو تفکر در دین و باور دینی بخش مهمی از کارهای بزرگ فلسفه بوده است. در سنت فلسفی، از آغاز تا عصر حاضر، بیشتر فلاسفه یا خداشناس بوده‌اند و یا احساس می‌کردند مجبور به سخن گفتن درباره خداشناسی هستند. در نتیجه تفکر فلسفی در دین محور تاریخ فلسفه بوده و امروزه نیز بخش مهمی از فلسفه می‌باشد. هر چند فلسفه دین به مفهوم جدیدش در نیمه اول قرن بیستم آغاز شد و نیمه دوم این قرن شاهد علاقه شدید به این موضوع بوده اما بیشترین کارها در فلسفه دین در دهه‌های اخیر انجام گرفته است.

فلسفه دین که در صدد مطالعه و بررسی نقادانه عقاید و مفاهیم اساسی دین است، با بکارگیری روشهای استاندارد تحلیل و اقامه برهان و بهره‌گیری از متافیزیک، معرفت شناسی و دیگر حوزه‌های معرفت فلسفی عقاید دینی را مورد مطالعه قرار داده و ارزیابی عقلانی اعتقادات دینی را امری مهم و با ارزش تلقی می‌نماید.

از آنجا که غرض از ترجمه نه دفاع، بلکه نقد و بررسی افکار بوده و شناخت ابعاد مختلف اندیشه و تفکر نخستین گام برای نقد و بررسی آن می‌باشد؛ لذا

امید است مطالب این کتاب بتواند در شناخت و نقد و بررسی اندیشه‌های دینی مفید باشد. یادآور می‌شود که مطالب مطرح شده در این کتاب برگرفته از نگرش تفکر فلسفی و کلامی غرب به آنهاست و پرداختن به این مسائل از دیدگاه فلاسفه و متکلمین اسلامی و توجه به راه حل‌های دقیق و کامل از سوی آنها خود مقوله‌ای جداست که در صورت عرضه آنه بسیاری از مسائل بخوبی پاسخ خواهد یافت.

شایسته است از همسر و فرزندان خود که به انحاء گوناگون در ترجمه این اثر اینجانب را یاری نموده‌اند، از آقای سید محسن سیدی که در ویرایش کتاب زحمات زیادی را متحمل شده‌اند، و همچنین از اداره پژوهش دانشگاه تربیت معلم تبریز و مسئولین محترم انتشارات آیین که در تصویب و چاپ این کتاب نهایت همکاری و جدیت را مبذول داشته‌اند، تشکر و قدردانی نمایم.

ادعای مترجم بی‌عیب و نقص بودن ترجمه‌اش نیست از اینرو از استادان و دانشویان و دانش پژوهان محترم که کتاب حاضر را مطالعه می‌نمایند انتظار دارد با ارائه کاستی‌ها و رهنمودهای سازنده خود در بهبود چاپ‌های بعدی، مترجم را یاری کنند.

قربان علمی

تابستان ۱۳۸۰

# فصل اول

مفہوم خدا

## مفهوم خدا

در سال ۱۹۶۳ اسقفی انگلیسی<sup>(۱)</sup> کتاب کوچکی که سبب تحول دینی در انگلیس و آمریکا شد انتشار داد. [۱] اسقف جان رابینسون<sup>(۲)</sup> در کتاب «صداقت در برابر خدا»<sup>(۳)</sup> با جرأت اظهار داشت که مفهوم «خدا» که چندین قرن در تمدن غربی رواج داشته است با نیازهای بشر کنونی ناهمخوان است. او استدلال نمود که بقای مذهب در غرب مستلزم کنار نهادن این تصویر سنتی از خدا به نفع مفهومی اساساً متفاوت با آن است، مفهومی که به زعم رابینسون در آثار اندیشمندان دینی قرن بیستم نظیر پاول تیلیخ<sup>(۴)</sup> و رودلف بولتمان<sup>(۵)</sup> پیدا می‌شود.

رابینسون با پیش بینی درست واکنش‌هایی که در برابر نظریه‌اش ابراز خواهد شد اظهار داشت که نظریه او به عنوان بدعتی در برابر آنچه کتاب مقدس بیان می‌کند باید مقاومت نماید. نه تنها اکثریت ارباب کلیسا با نظریه او مخالفت کردند، بلکه منکران اعتقاد به خدا نیز از نظریه او ناراضی بوده و می‌گفتند مفهوم خدا از پیش مرده یا حداقل در حال مرگ است. در نامه‌های ارسالی به سردبیر تایمز لندن، تحت عناوین کلامی، و در سخنرانیهای تبلیغی که در دو قاره ایراد

1-Anglican bishop

2-Bishop John Robinson

3-Honest to God

4-Paul Tillich

5-Rudolf Bultman



گشت، رابینسون بیشتر به عنوان ملحدی در لباس اسقف مورد حمله واقع گشت، و بسیار به ندرت به عنوان مبلغ و حامی تحول تازه‌ای که در آیین دینی یهودی - مسیحی بوقوع می‌پیوست مورد حمایت قرار گرفت. نظری به برخی از مفاهیم مورد باور رابینسون، ما را در تلاش برای طبقه بندی مفاهیم مختلف خدا و تمرکز بر مفهومی که در سراسر این کتاب مورد توجه ما بوده کمک خواهد نمود.

پیش از ظهور این اعتقاد که کل جهان تحت سیطره کامل موجود واحدی است، مردم بیشتر به تعدد موجودات ماوراء طبیعی یا تکثر خدایان، چند گانه پرستی<sup>(۱)</sup>، معتقد بودند. مثلاً در یونان و روم باستان، خدایانی بر ابعاد مختلف زندگی سیطره داشتند، تا آنجا که یک فرد معمولاً چندین خدا را می‌پرستید: خدای جنگ، خدای عشق و امثال آن. البته گهگاه شخص می‌توانست به تعدادی از خدایان معتقد باشد اما تنها می‌توانست یکی از آنها را مثل خدای قبیله خویش پرستد، این عقیده دینی «هنوتیزم»<sup>(۲)</sup> نامیده می‌شد. مثلاً در «عهد عتیق»<sup>(۳)</sup>، با آنکه عبریها<sup>(۴)</sup> به خدای خود، «یهوه»<sup>(۵)</sup> وفادارند اشاراتی مکرر به خدایان دیگر قبائل بچشم می‌خورد. اما تدریجاً این عقیده شکل گرفت که همان خدای خودشان که آفریننده آسمان و زمین است، نه تنها خدای قبیله خود، بلکه خدای همه مردم است، عقیده‌ای که «یکتا پرستی»<sup>(۶)</sup> نامیده شد. طبق نظر رابینسون یکتا پرستی، اعتقاد به خدای واحد، دستخوش تحولی بنیادین که وی آنرا به کمک واژه‌هایی چون «مکان بالا»<sup>(۷)</sup> و «خارج از مکان»<sup>(۸)</sup> توصیف می‌نماید، واقع شده است. خدای «مکان بالا» موجودی است که در

1- Polytheism

2-Henotheism

3-Old Testament

4-Hebrews

5-Jahweh

6-Monothelism

7-up there

8-out there

مکان بالای ما، احتمالاً در فاصله معینی از زمین، در قلمرو آسمانها قرار دارد. یک تصویر ابتدایی خاصی در این مفهوم خدا وجود دارد که در آن جهان از سه قلمرو، آسمانها در بالا، زمین در پائین و قلمرو تاریکی در زیر زمین، تشکیل می‌شود.

بر اساس این تصویر، زمین همواره مورد تهاجم موجودات دو قلمرو دیگر قرار دارد - خدا و فرشتگانش از آسمانها، شیطان و دیوهایش از زیرزمین - که برای تسلط بر ساکنان زمین و سرنوشت ایشان با یکدیگر می‌جنگند. به اعتقاد رایبسنون این نوع از مفهوم خدا که همچون موجودی قدرتمند در «مکان بالا» و محلی خاص در فضا واقع است به تدریج منسوخ شد. در این زمان ما به فرزندانمان می‌گوییم که آسمان، واقعاً بالای سرما و خدا واقعاً در مکان خاصی از آسمان نیست. به جای این اندیشه که «خدا پیر مردی در آسمان است»، مفهوم فرهیخته‌تری از خدا پدید آمده که رایبسنون آنرا همچون خدای «خارج از مکان» تلقی می‌نماید.

تحول بنیادین مفهوم خدای «مکان بالا» به خدای «خارج از مکان» یعنی تحول اعتقاد به خدای ساکن در فاصله مکانی خاص از زمین به اعتقاد به خدای متمایز و مستقل از جهان است. بر اساس این عقیده خدا در هیچ نقطه یا قلمرو و فضای مادی ساکن نیست. او موجودی کاملاً روحانی، خیر متعالی، قادر مطلق، عالم مطلق و متشخصی است که جهان را آفریده است، اما خود، جزئی از آن نیست. او «متمایز» از جهان است، محکوم قوانین آن نیست بلکه حاکم بر آن است، و آنرا به سوی هدف نهایی خود هدایت می‌نماید. این مفهوم نسبتاً با عظمت از خدا به تدریج در طی قرن‌ها توسط متکلمین بزرگ غربی مثل

آگوستین<sup>(۱)</sup>، بوئتیوس<sup>(۲)</sup>، بوناونتور<sup>(۳)</sup>، ابن سینا<sup>(۴)</sup>، آنسلم<sup>(۵)</sup>، ابن میمون<sup>(۶)</sup>، و آکویناس<sup>(۷)</sup> گسترش یافت، و همین مفهوم از خدا در تمدن غربی رایج بوده است. اگر خدای «مکان بالا» را همچون «پیر مردی در آسمان» تصور کنیم، می‌توانیم خدای «خارج از مکان» را همچون خدای متکلمین قدیمی وصف نماییم خدایی که به اعتقاد رایبسنون با نیازهای بشر کنونی ناهمخوان است. رایبسنون خواه درست گفته باشد خواه نادرست - که معمولاً در درستی آن تردید است - آنچه غیر قابل انکار و قطعی است اینکه ما، وارثان فرهنگی تمدن غرب، خدا را موجودی تصور می‌کنیم که در بیشتر جنبه‌های مهم، نظیر همان خدای متکلمین قدیمی است. بنابراین بهتر آنکه برای تبیین اندیشه‌های خود درباره خدا، به بررسی کامل مفهوم خدا در اندیشه متکلمین بزرگ قدیمی بپردازیم.

### صفات خدا

قبلاً ملاحظه شد که در نظر بسیاری از متکلمین بزرگ، خدا همچون خیر متعالی، متمایز و مستقل از جهان، قادر مطلق، عالم مطلق و آفریننده جهان تصور می‌شد. دو صفت دیگری که متکلمین بزرگ به خدا نسبت می‌دهند، «قائم به ذات بودن»<sup>(۸)</sup> و «سرمدیت»<sup>(۹)</sup> است. از اینرو، مفهوم رایج از خدا در تمدن غربی، همان مفهوم خیر متعالی و آفریننده اما متمایز و مستقل از جهان، قادر مطلق، عالم مطلق، سرمدی و قائم به ذات است. البته این سلسله مفاهیم

1-Augustine

2-Boethius

3-Bonaventure

4-Avicenna

5-Anselm

6-Maimonides

7-Aquinas

8-Self existence

9-Eternity

عمده در توصیف خدا آنگاه برای ما روشن خواهد شد که بخوبی تبیین گردند. مثلاً قادر مطلق بودن یک موجود چیست؟ مفهوم قائم به ذات بودن نزد ما چگونه ادراک می‌گردد؟ چگونه می‌توان تصور نمود که خدا متمایز و مستقل از جهان است؟ وقتی که گفته می‌شود خدا، و تنها خدا، سرمدی است منظور چیست؟ تنها به اندازه‌ای که بتوانیم به این پرسش‌ها و پرسش‌های مشابه آن پاسخ دهیم؛ می‌توان مفهوم اصلی خدا را آنگونه که در تمدن غربی وجود دارد درک نمود. بنابراین پیش از بررسی و مطالعه مسئله وجود خدا، بهتر است درک خود از مفهوم خدا را با تلاش برای یافتن پاسخ برخی از این پرسشهای اساسی ژرفا بخشیده و فریه سازیم.

### قدرت مطلق و خیر (بیت) کامل

توماس آکویناس، متکلم قرن سیزدهم، در اثر بزرگ خود، «رساله‌ای در الهیات»<sup>(۱)</sup>، به تبیین ماهیت قدرت مطلق خدا می‌پردازد. آکویناس پس از اشاره به اینکه قادر مطلق بودن خدا به معنی توانا بودن خدا به انجام تمامی امور است، به دقت توضیح می‌دهد که «امکان» به دو نوع تقسیم می‌شود: «امکان نسبی»<sup>(۲)</sup> و «امکان مطلق»<sup>(۳)</sup>. آنگاه به بررسی آن نوعی می‌پردازد که اظهار می‌دارد قدرت مطلق الهی توانائی انجام همه امور ممکن را دارد. امکان نسبی امری است که انجام آن در حیطه قدرت موجود یا موجودات خاص می‌باشد. مثلاً پرواز نمودن با همین اقدامهای طبیعی نسبت به پرندگان ممکن است اما نسبت به انسانها ممکن نیست و امکان مطلق امری است که فی نفسه متضمن تناقض نباشد. شکست دادن استاد شطرنج در بازی شطرنج کاری است که انجام آن بس دشوار بوده اما فی نفسه متضمن تناقض نیست زیرا گهگاه آن کار واقع